بسم الله الرحمن الرحیم

مطالب تکمیلی درس چهارم نور مبین در ششماهه دوم ۱۳۹۷

ویژه مطالعه مربیان گرامی

شرک آفت عمل صالح ـ بخش اول: ریا

توجه: این مبحث پیوستگی کامل با آیه ۱۱۰ سوره کهف (درس سوم) دارد.

تفسیر نمونه ۱

اگر مشرک شوی اعمالت بر باد می‌رود!

در این آیه با لحن قاطع خطر شرک را بازگو کرده می‌فرماید:«به تو و به همه انبیای پیشین وحی فرستاده شده است که اگر مشرک شوی مسلما اعمالت حبط و نابود می‌گردد و از زیانکاران خواهی بود». (**وَ لَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَ إِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْخاسِرِينَ**).

به این ترتیب شرک دو پیامد خطرناک دارد حتی در مورد پیامبران الهی اگر به فرض محال مشرک شوند.

نخست مسأله حبط اعمال است، و دوم گرفتار خسران و زیان زندگی شدن.

اما «حبط اعمال» به معنی محو آثار و پاداش عمل به خاطر شرک است چرا که شرط قبولی اعمال اعتقاد به اصل توحید است و بدون آن هیچ عملی پذیرفته نیست.

شرک آتش سوزانی است که شجره اعمال آدمی را می‌سوزاند.

شرک صاعقه‌ای است که تمام محصول زندگی او را به آتش می‌کشد.

و شرک همچون طوفانی است که اعمال آدمی را متلاشی می‌سازد و با خود می‌برد چنان که در آیه ۱۸ سوره ابراهیم می‌خوانیم: «**مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمالُهُمْ كَرَمادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عاصِفٍ لا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلى شَيْءٍ ذلِكَ هُوَ الضَّلالُ الْبَعِيدُ** ـ اعمال کسانی که به پروردگارشان کافر شدند همچون خاکستری است در برابر تندباد در یک روز طوفانی، آنها توانایی ندارند کمترین چیزی از اعمالی را که انجام داده‌اند به دست آورند، و این گمراهی دور و درازی است».

به همین دلیل در حدیثی از پیغمبر گرامی اسلام صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم آمده است:

ان اللّه تعالی یحاسب کل خلق الا من اشرك باللّه فانه لا یحاسب و یؤمر به الی النار

«خداوند همه‌ی بندگان را محاسبه می‌کند مگر کسی که شرک به خدا آورده که بدون حساب به آتش فرستاده می‌شود».[1]

و اما زیانکار شدن آن‌ها به خاطر این است که بزرگ‌ترین سرمایه‌های خود را که عقل و خرد و عمر گران‌بها است در این بازار بزرگ تجارت دنیا از دست داده و «جز حسرت و اندوه متاعی نخریدند»!

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که مگر امکان دارد که انبیای بزرگ الهی راه شرک پیش گیرند که آیه فوق با این لحن با آن‌ها برخورد می‌کند؟

پاسخ این سؤال روشن است: انبیا هرگز مشرک نخواهند شد، هر چند قدرت و اختیار بر این کار را دارند، و معصوم بودن به

---

۱. نور الثقلین جلد ۴ صفحه ۴۹۷

معنی سلب قدرت و اختیار نیست بلکه بالا بودن سطح معرفت آن‌ها و ارتباط مستقیم و مستمرشان با مبدأ وحی مانع از این است که آن‌ها حتی در یک لحظه فکر شرک به خود راه دهند، آیا طبیب هوشمند و حاذقی که از تاثیر یک ماده سمی بسیار خطرناک و کشنده به خوبی آگاه است هرگز ممکن است در حال اعتدال فکر خود را به آن آلوده سازد؟

هدف این است که از اهمیت خطر شرک به همگان گوشزد شود تا مردم بدانند وقتی خداوند با پیامبران بزرگش اینچنین سخن می‌گوید تکلیف دیگران روشن است، و به تعبیر دیگر: این از قبیل ضرب‌المثل معروف عرب است «ایاک اعنی و اسمعی یا جارة ـ منظورم تویی ولی ای همسایه تو بشنو!».

همین معنی در حدیثی از امام علی بن موسی‌الرضا علیه‌السلام به هنگامی که مأمون سؤال از آیاتی کرد نقل شده است که امام فرمود: «منظور از این‌گونه آیات امت است، هر چند مخاطب رسول خدا می‌باشد».[1]

آیات بسیاری از قرآن مجید صراحت دارد در این‌که «موافات بر ایمان» (با ایمان از دنیا رفتن) شرط قبولی اعمال است، و بدون آن هیچ علمی پذیرفته نیست.

قلب مشرک همچون شوره‌زاری است که اگر تمام بذرهای گل‌ها را در آن بپاشند و باران حیاتبخش بر آن ببارد استعداد پرورش گلی را ندارد و جز خس از آن نمی‌روید.[2]

تفسیر نمونه ۲

دو مثال جالب در مورد انگیزه‌های انفاق

در آیه ۲۶۴ و ۲۶۵ سوره بقره، نخست اشاره به این حقیقت شده که افراد با ایمان نباید انفاق‌های خود را به خاطر منت و آزار، باطل و بی‌اثر سازند.

سپس دو مثال جالب برای انفاق‌های آمیخته با منت و آزار و ریاکاری و خودنمایی و همچنین انفاق‌هایی که از ریشه اخلاص و عواطف دینی و انسانی سرچشمه گرفته بیان می‌کند.

می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بخشش‌های خود را با منت و آزار باطل نسازید». (**یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِکُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذی**).

سپس این عمل را تشبیه به انفاق‌هایی که توأم با ریاکاری و خودنمایی است می‌کند، می‌فرماید: «این همانند کسی است که مال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کند و ایمان به خدا و روز رستاخیز ندارد». (**کَالَّذِي یُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ وَ لا یُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْیَوْمِ الْآخِرِ**).

و بعد می‌افزاید: «(کار او) همچون قطعه سنگ صافی است که بر آن (قشر نازکی از) خاک باشد (و بذرهایی در آن افشانده شود) و باران درشت به آن برسد، (و خاک و بذرها را بشوید) و آن را صاف رها سازد آن‌ها از کاری که انجام داده‌اند چیزی به دست نمی‌آورند». (**فَمَثَلُهُ کَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَیْهِ تُرابٌ فَأَصابَهُ وابِلٌ فَتَرَکَهُ صَلْداً لا یَقْدِرُونَ عَلی شَیْءٍ مِمَّا کَسَبُوا**).[3] چه تعبیر لطیف و رسا و گویایی؟! قطعه سنگ محکمی را در نظر بگیرید که قشر رقیقی از خاک روی آن را پوشانده باشد و بذرهای مستعدی نیز در آن خاک افشانده شود و در معرض هوای آزاد و تابش آفتاب قرار گیرد، سپس باران دانه درشت پر برکتی بر آن ببارد، با اینکه تمام

---

۱. نور الثقلین جلد ۴ صفحه ۴۹۷

۲. تفسیر نمونه، ج۱۹، ص۵۲۷

۳. « صفوان» به معنی قطعه سنگ بزرگ و صاف است که چیزی در آن نفوذ نمی‌کند و چیزی بر آن قرار نمی‌گیرد، و «وابل» به معنی باران سنگین دانه درشت است، و برای همین به کارهای سخت و سنگین و مصیبت بار نیز اطلاق شده است، و «صلدا» نیز به معنی سنگ صافی است که چیزی بر آن نمی‌روید.

وسایل نمو و رشد در اینجا فراهم است، ولی به خاطر یک کمبود، همه چیز از بین می‌رود و این باران کاری جز این نمی‌کند که آن قشر باریک را همراه بذرها می‌شوید و پراکنده می‌سازد و سنگ سخت غیر قابل نفوذ را که هیچ گیاهی بر آن نمی‌روید با قیافه خشونت‌بارش آشکار می‌سازد، چرا که بذرها در محل نامناسبی افشانده شده بود، ظاهری آراسته و درونی خشن و غیر قابل نفوذ داشت و تنها قشر نازکی از خاک روی آن را گرفته بود، در حالی که پرورش گیاه و درخت نیاز به خاک عمیقی دارد که برای پذیرش ریشه‌ها و ذخیره آب و تغذیه گیاه آماده باشد.

این‌گونه است اعمال ریاکارانه و انفاق‌های آمیخته با منت و آزار که از دل‌های سخت و قساوتمند سرچشمه می‌گیرد و صاحبانش هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برند و تمام زحماتشان بر باد می‌رود.

و در پایان آیه می‌فرماید: «و خداوند گروه کافران را هدایت نمی‌کند» (**وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرِينَ**).

اشاره به این‌که خداوند توفیق هدایت را از آن‌ها می‌گیرد چرا که با پای خود، راه کفر و ریا و منت و آزار را پوییدند، و چنین کسانی شایسته هدایت نیستند، و به این ترتیب انفاق‌های ریایی و آمیخته با منت و آزار، همه در یک ردیف قرار گرفته‌اند.

در آیه بعد مثال زیبای دیگری برای نقطه مقابل این گروه بیان می‌کند، آن‌ها کسانی هستند که در راه خدا روی ایمان و اخلاص، انفاق می‌کنند، می‌فرماید: «و مثل کسانی که اموال خود را برای خشنودی خدا و استوار کردن (ملکات عالی انسانی) در روح خود انفاق می‌کنند، همچون باغی است که در نقطه بلندی باشد، و باران‌های درشت و پی در پی به آن برسد (و به‌خاطر بلند بودن مکان، از هوای آزاد و نور آفتاب به حد کافی بهره گیرد و آن چنان رشد و نمو کند که) میوه خود را دو چندان دهد» (**وَ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوالَهُمُ ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصابَها وابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَها ضِعْفَيْنِ**).

سپس می‌افزاید: «و اگر باران درشتی بر آن نبارد لا اقل باران‌های ریز و شبنم بر آن می‌بارد» و باز هم میوه و ثمر می‌دهد و شاداب و با طراوت است (**فَإِنْ لَمْ يُصِبْها وابِلٌ فَطَلٌّ**).[1] و در پایان می‌فرماید: «خداوند به آن‌چه انجام می‌دهید آگاه است» (**وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ**).

او می‌داند آیا انفاق انگیزه الهی دارد یا ریاکارانه است، آمیخته با منت و آزار است یا محبت و احترام.

نکته‌ها:

۱ـ از جمله «**لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى**»، (انفاق‌های خود را با منت و آزار باطل نکنید) استفاده می‌شود که پاره‌ای از اعمال ممکن است نتایج اعمال نیک را از بین ببرد و این همان مسأله احباط است.

۲ـ تشبیه عمل ریاکارانه به قطعه سنگی که قشر نازکی از خاک روی آن را پوشانیده است بسیار گویا است زیرا افراد ریاکار باطن خشن و بی‌ثمر خود را با چهره‌ای از خیر خواهی و نیکوکاری می‌پوشانند و اعمالی که هیچ‌گونه ریشه ثابتی در وجود آن‌ها ندارد انجام می‌دهند اما حوادث زندگی به زودی پرده را کنار می‌زند و باطن آن‌ها را آشکار می‌سازد.

۳ـ جمله «**ابْتِغاءَ مَرْضاتِ اللَّهِ وَ تَثْبِيتاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ**» انگیزه‌های انفاق صحیح و الهی را بیان می‌کند و آن دو چیز است: «طلب خشنودی خدا» و «تقویت روح ایمان و ایجاد آرامش در دل و جان» این جمله می‌گوید: «انفاق کنندگان واقعی کسانی هستند که تنها به خاطر خشنودی خدا و پرورش فضائل انسانی و تثبیت این صفات در درون جان خود و همچنین پایان دادن به اضطراب و ناراحتی‌هایی که بر اثر احساس مسئولیت در برابر محرومان در و جدان آن‌ها پیدا می‌شود اقدام به انفاق می‌کنند (بنا بر این «من» در آیه به معنی «فی» خواهد بود).

۴ـ جمله «**وَ اللَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ**» که در آخر آیه دوم ذکر شده، هشداری است به همه کسانی که می‌خواهند عمل نیکی انجام دهند که مراقب باشند کوچک‌ترین آلودگی از نظر نیت یا طرز کار پیدا نکنند زیرا خداوند به‌طور کامل مراقب اعمال آن‌ها است.[2]

---

۱. «طل» به معنی باران دانه ریز است که گاه به صورت غبار به روی گیاهان می‌ریزد و گاه به شبنم نیز گفته می‌شود.

۲. ترجمه تفسیر المیزان ج۲ ص۵۹۷

تفسیر المیزان ۱

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَ مَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّن صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذًى وَ اللَّهُ غَنِيٌ حَلِيمٌ(بقره/۲۶۳)

در این آیه شریفه خداوند متعال قول معروف و آمرزیدن و مغفرت (یعنی چشم‌پوشی از بدی‌ها که مردم به انسان می‌کنند) را بر صدقه‌ای که گوشه و کنایه داشته باشد ترجیح داده، و این مقابله دلالت دارد بر اینکه مراد از « قول معروف» این است که وقتی می‌خواهی سائل را رد کنی با زبانی خوش رد کنی، مثلا دعایش کنی که خدا حاجتت را برآورد.

البته این در صورتی است که سائل سخنی که باعث ناراحتی تو باشد نگوید، و اگر لفظی خلاف ادب گفت باید چنان رفتار کنی که او خیال کند سخن زشتش را نشنیده‌ای و آن دعای خیر و این چشم‌پوشی‌ات از سخن زشت او، بهتر از آنست که به او صدقه‌ای بدهی و به دنبالش آزار برسانی، چون آزار و منت نهادن انفاق‌گر به این معنی خواهد بود که می‌خواهد بفهماند آن مالی که انفاق کرده در نظرش بسیار عظیم است، و از درخواست سائل ناراحت شده است، و این دو فکر غلط دو بیماری است که باید انسان با ایمان، دل خود را از آن پاک کند چون مؤمن باید متخلق به اخلاق خدا باشد، و خدای سبحان غنی‌ای است که آنچه نعمت می‌دهد در نظرش بزرگ نمی‌نماید، و هر بخششی می‌کند آن را بزرگ جلوه نمی‌دهد و نیز خدای سبحان حلیم است، و در مؤاخذه جفاکاران عجله نمی‌کند، و در برابر جهالت خشم نمی‌کند، و بهمین جهتی که گفته شد آیه شریفه، با دو نام « غنی» و «حلیم» ختم شده است.[1]

تفسیر المیزان ۲

ریا کاری در هر عمل مستلزم نداشتن ایمان به خدا و روز جزا در آن عمل است

«**كَالَّذِي يُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ، وَ لا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ**» از آن‌جایی که خطاب اول آیه فقط شامل مؤمنین بود ـ چون افراد ریاکار نمی‌توانند مؤمن باشند، چون به فرموده خدا، منظور این‌ها از اعمال‌شان خدا نیست ـ به همین جهت خداوند متعال مؤمنین را به صراحت از ریا نهی نکرد، و نفرمود: «ای مؤمنین ریاکار نباشید» بلکه افرادی را که صدقه می‌دهند و به دنبالش منت و اذیت می‌رسانند تشبیه به افراد ریاکار بی‌ایمان کرد، که صدقات‌شان باطل و بی‌اجر است، و فرمود: «عمل چنین مؤمنی شبیه به عمل او است»، و نفرمود: «مثل آن است» زیرا عمل مؤمن در ابتدا صحیح انجام می‌شود، ولی بعدا پاره‌ای عوامل مثل « منت» و «اذیت» آن را باطل می‌سازد، ولی عمل ریاکار از همان اول باطل است.

اتحاد سیاق فعل‌هایی که در آیه آمده، یعنی فعل «**يُنْفِقُ مالَهُ**» و فعل «**وَ لا يُؤْمِنُ**» با این‌که ممکن بود بفرماید: «و لم یؤمن ـ ریاکار از اول ایمان نیاورده»، دلالت دارد بر این‌که مراد از ایمان نداشتن ریاکار در انفاقش به خدا و روز جزا، ایمان نداشتن او به دعوت پروردگاری است که او را به انفاق می‌خواند، و ثواب‌هایی جزیل و عظیم به وی وعده می‌دهد، چون اگر به دعوت این داعی و به روز قیامت (روزی که پاداش‌های اعمال در آن روز ظاهر می‌شود) ایمان می‌داشت، در انفاقش قصد ریا نمی‌کرد و تنها عمل را برای خاطر خدا می‌آورد، و علاقمند به ثواب جزیل خدا می‌شد. پس منظور از این‌که فرمود، ایمان به خدا ندارد این نیست که اصلاً به خداوندی خدا قائل نیست.

و از آیه شریفه چنین بر می‌آید که ریا در هر عملی که آدمی انجام می‌دهد مستلزم نداشتن ایمان به خدا و به روز جزا در همان عمل است.

«**فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوانٍ عَلَيْهِ تُرابٌ ...**» ضمیر در کلمه: «فمثله» به کلمه «الذی» در جمله: «الذی يُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ» بر می‌گردد، پس مثلی که در آیه زده شده برای کسی است که مال خود را به منظور خودنمایی انفاق می‌کند، و کلمه «صفوان» و نیز کلمه «صفا» به معنای سنگ صاف و سخت است، و کلمه «وابل» به معنای باران تند و رگبار طولانی است و ضمیر در جمله «لا یقدرون» نیز به همان «الذی ینفق ...» بر می‌گردد، خواهی گفت: کلمه «الذی» مفرد است ولی ضمیر در جمله «لا یقدرون» جمع است. در پاسخ می‌گوئیم کلمه «الذی» هر چند که لفظا مفرد است و لیکن در این‌جا در معنای جمع استعمال شده و به معنای همه کسانی است که چنین باشند.

---

۱. ترجمه تفسیر المیزان ج۲ ص۵۹۷

این آیه وجه شباهت ریاکار به سنگ را بیان می‌کند، معنای وسیعی است که هم در ریاکار هست و هم در آن سنگ، و آن بی‌اثر و سست بودن عمل است هم چنان که خاکی که روی سنگ صاف قرار دارد با بارانی اندک از بین رفته و نمی‌تواند اثری داشته باشد.

و جمله: «وَ اللَّهُ لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرِينَ» حکم را نسبت به ریاکار و کافر به وجهی عام بیان می‌کند، و می‌فرماید: ریا کننده در ریاکاریش یکی از مصادیق کافر است، و خدا مردم کافر را هدایت نمی‌کند، و به همین جهت جمله نامبرده کار تعلیل را می‌کند.

و خلاصه معنای این مثل آن است که کسی که در انفاق خود مرتکب ریا می‌شود، در ریا کردنش و در ترتیب ثواب بر انفاقش حال سنگ صافی را دارد که مختصر خاکی روی آن باشد، همین که بارانی تند بر آن ببارد، همین بارانی که مایه حیات زمین و سرسبزی آن و آراستگی‌اش به گل و گیاه است، در این سنگ خاک‌آلود چنین اثری ندارد، و خاک نامبرده در برابر آن باران دوام نیاورده و به کلی شسته می‌شود، تنها سنگی سخت می‌ماند که نه آبی در آن فرو می‌رود، و نه گیاهی از آن می‌روید، پس وابل (باران پشت‌دار) هر چند از روشن‌ترین اسباب حیات و نمو است، و همچنین هر چند خاک هم سبب دیگری برای آن است، اما وقتی محل این آب و خاک، سنگ سخت باشد عمل این دو سبب باطل می‌گردد، بدون اینکه نقصی و قصوری در ناحیه آب و خاک باشد، پس این حال سنگ سخت بود و عیناً حال ریاکار نیز چنین است:

برای این‌که وقتی ریاکار در عمل خود خدا را در نظر نمی‌گیرد، ثوابی بر عملش مترتب نمی‌شود، هر چند که نفس عمل هیچ نقصی و قصوری ندارد، چون انفاق سببی است روشن برای ترتیب ثواب، لیکن به خاطر اینکه قلب صاحبش چون سنگ است، استعداد پذیرفتن رحمت و کرامت را ندارد.

و از همین آیه بر می‌آید که قبول شدن اعمال، احتیاج به نیتی خالص و قصدی به وجه اللّه دارد. شیعه و سنی هم از رسول خدا ص روایت کرده‌اند که فرمود: « **إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ**[1] ـ معیار در ارزش اعمال تنها نیت‌ها هستند».[2]

حجت الاسلام والمسلمین استاد محسن قرائتی ۱

نکته‌ها:

این آیه نیز تشبیهی را با خود دارد و نمایانگر باطن اشخاصی است که به قصد ریا و تظاهر انفاق می‌کنند. ظاهر عمل اینان مانند خاک، نرم ولی باطن آن چون سنگ، سفت است که قابلیّت نفوذ ندارد. به خاطر سفتی و سختی دل‌های سنگ‌شان، از انفاق خود بهره‌ای نمی‌برند.

پیام‌ها:

۱ـ منّت گذاری و آزار فقیر، پاداش انفاق و صدقات را از بین می‌برد. **«لا تُبْطِلُوا»**

۲ـ ریا، نشانه عدم ایمان واقعی به پروردگار وقیامت است. **«يُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ وَ لا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ»**

۳ـ انفاق مهم نیست، انگیزه و روحیّه‌ی انفاق کننده مهم است. **«رِئاءَ النَّاسِ»**

۴ـ اعمال شخص منّت گذار، ریاکار وکافر، تباه است. کلمه‌ی **«فَمَثَلُهُ»** قابل تطبیق با هر سه گروه است.

۵ـ ریاکار، عاقبت رسوا می‌شود و حوادث، کاشف حقایق است. **«فَتَرَكَهُ صَلْداً»**

۶ـ ریاکار نه تنها از پاداش آخرت محروم است، بلکه رشد روحی را نیز کسب نکرده است. **«لا يَقْدِرُونَ عَلى شَيْءٍ»**

۷ـ منّت‌گذار وریاکار، در مدار کفر و مورد تهدید است. **«لا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكافِرِينَ»**[3]

---

۱. مصباح الشریعة ص۵۳

۲. ترجمه تفسیر المیزان ج۲ ص ۵۹۷

۳. تفسیر نور، ج۱، ص ۴۲۱

حجت الاسلام والمسلمین استاد محسن قرائتی ۲

شخصی به امام جواد علیه‌السلام عرض کرد: «من ده تا خانواده فقیر را کمک می‌کنم به همین دلیل خوشحالم».

امام فرمود بله، ولی آن‌را خراب کردی چون قرآن می‌فرماید «**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى**» (بقره/۲۶۴) یعنی کارهای خوب‌تان را با منت و اذیت خراب نکنید.

اذیت بر کسی که کمک شده است یا بر هر کسی از افراد جامعه؟

امام علیه‌السلام فرمود: «الان شما داری من را اذیت می‌کنی».

گفت: «نه آقا چه اذیتی».

فرمود: «شما الان گفتی من از شیعیان خالص هستم در صورتی که شیعیان خالص سلمان و ابوذر و مقداد بودند تو با این دروغی که می‌گوئی من را ناراحت کردی و اجر آن ده خانواده‌ی فقیری که به آن‌ها کمک می‌کردی هم از بین رفت چون قرآن نمی‌فرماید اذیت بر آن فقیری که به او کمک کردی می‌فرماید اذیت بر هر کس.

آن فرد عذرخواهی کرد.

بعد امام فرمود چون عذرخواهی کردی خدا ثواب را به تو می‌دهد.

از این حدیث معلوم می‌شود که ما خیلی وقت‌ها خدمتی می‌کنیم بعد منت می‌گذاریم و اذیت می‌کنیم به همین دلیل اجر آن از بین می‌رود.[1]

متن عربی روایت:

قَالَ حسن بن علی العسکری ع دَخَلَ رَجُلٌ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع وَ هُوَ مَسْرُورٌ، فَقَالَ: مَا لِي أَرَاكَ مَسْرُوراً قَالَ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، سَمِعْتُ أَبَاكَ يَقُولُ: أَحَقُّ يَوْمٍ بِأَنْ يُسَرَّ الْعَبْدُ فِيهِ- يَوْمٌ يَرْزُقُهُ اللَّهُ صَدَقَاتٍ وَ مَبَرَّاتٍ- وَ سَدَّ خَلَّاتٍ مِنْ إِخْوَانٍ لَهُ مُؤْمِنِينَ، وَ إِنَّهُ قَصَدَنِي الْيَوْمَ عَشَرَةٌ مِنْ إِخْوَانِيَ [الْمُؤْمِنِينَ] الْفُقَرَاءِ لَهُمْ عِيَالاتٌ، قَصَدُونِي مِنْ بَلَدِ كَذَا وَ كَذَا، فَأَعْطَيْتُ كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ فَلِهَذَا سُرُورِي. فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع: لَعَمْرِي إِنَّكَ حَقِيقٌ بِأَنْ تُسَرَّ- إِنْ لَمْ تَكُنْ أَحْبَطْتَهُ أَوْ لَمْ تُحْبِطْهُ فِيمَا بَعْدُ. فَقَالَ الرَّجُلُ: وَ كَيْفَ أَحْبَطْتُهُ- وَ أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمُ الْخُلَّصِ قَالَ: هَاهْ قَدْ أَبْطَلْتَ بِرَّكَ بِإِخْوَانِكَ وَ صَدَقَاتِكَ. قَالَ: وَ كَيْفَ ذَاكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ قَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع: اقْرَأْ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى. قَالَ الرَّجُلُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا مَنَنْتُ عَلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ تَصَدَّقْتُ عَلَيْهِمْ وَ لَا آذَيْتُهُمْ! قَالَ لَهُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ع: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّمَا قَالَ: لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى وَ لَمْ يَقُلْ لَا تُبْطِلُوا بِالْمَنِّ عَلَى مَنْ تَتَصَدَّقُونَ عَلَيْهِ، [وَ بِالْأَذَى لِمَنْ تَتَصَدَّقُونَ عَلَيْهِ] وَ هُوَ كُلُّ أَذًى، أَ فَتَرَى أَذَاكَ لِلْقَوْمِ الَّذِينَ تَصَدَّقْتَ عَلَيْهِمْ أَعْظَمُ، أَمْ أَذَاكَ لِحَفَظَتِكَ- وَ مَلَائِكَةِ اللَّهِ الْمُقَرَّبِينَ حَوَالَيْكَ، أَمْ أَذَاكَ لَنَا فَقَالَ الرَّجُلُ: بَلْ هَذَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ. فَقَالَ: فَقَدْ آذَيْتَنِي وَ آذَيْتَهُمْ وَ أَبْطَلْتَ صَدَقَتَكَ. قَالَ: لِمَا ذَا قَالَ: لِقَوْلِكَ «وَ كَيْفَ أَحْبَطْتُهُ- وَ أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمُ الْخُلَّصِ» وَيْحَكَ، أَ تَدْرِي مَنْ شِيعَتُنَا الْخُلَّصُ [قَالَ: لَا.قَالَ: شِيعَتُنَا الْخُلَّصُ] حِزْقِيلُ الْمُؤْمِنُ، مُؤْمِنُ آلِ فِرْعَوْنَ وَ صَاحِبُ يس الَّذِي قَالَ اللَّهُ تَعَالَى [فِيهِ]: وَ جاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعى وَ سَلْمَانُ وَ أَبُو ذَرٍّ وَ الْمِقْدَادُ وَ عَمَّارٌ، أَ سَوَّيْتَ نَفْسَكَ بِهَؤُلَاءِ أَ مَا آذَيْتَ بِهَذَا الْمَلَائِكَةَ، وَ آذَيْتَنَا.فَقَالَ الرَّجُلُ: أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَ أَتُوبُ إِلَيْهِ، فَكَيْفَ أَقُولُ قَالَ: قُلْ: أَنَا مِنْ مُوَالِيكُمْ وَ مُحِبِّيكُمْ، وَ مُعَادِي أَعْدَائِكُمْ، وَ مُوَالِي أَوْلِيَائِكُمْ.فَقَالَ: كَذَلِكَ أَقُولُ، وَ كَذَلِكَ أَنَا يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، وَ قَدْ ثَبَتَ مِنَ الْقَوْلِ الَّذِي أَنْكَرْتَهُ، وَ أَنْكَرَتْهُ الْمَلَائِكَةُ، فَمَا أَنْكَرْتُمْ ذَلِكَ إِلَّا لِإِنْكَارِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ. فَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا ع: الْآنَ قَدْ عَادَتْ إِلَيْكَ مَثُوبَاتُ صَدَقَاتِكَ وَ زَالَ عَنْهَا الْإِحْبَاطُ.

---

۱. برنامه درس‌هایی از قرآن سال ۷۳ نماز، نیت، اخلاص ص۴

ترجمه روایت امام جواد علیه‌السلام

امام حسن عسگری علیه‌السلام فرمود: مردی خدمت حضرت امام محمد تقی علیه‌السّلام وارد شد در حالی که شاد و مسرور بود.

حضرت فرمود: «چیست که ترا شاد می‌بینم؟»

عرض کرد: «ای پسر پیامبر صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم از پدر بزرگوارت شنیدم که می‌فرمود بهترین روزی که سزاوار است بنده خدا در آن روز شاد باشد روزی است که توفیق خدمت و کمک و دستگیری از برادران مؤمن نصیب او گردد، امروز ده نفر از برادران فقیر و عائله‌مندم از فلان شهر و فلان شهر به قصد من آمدند و من به هر کدام از آن‌ها بخششی کردم از آن جهت خوشحالم.»

حضرت فرمود: «به جان خودم سوگند تو شایسته این شادی هستی اگر آن انفاقت را نابود نکرده باشی یا بعد از این در آینده او را از بین نبری»

آن مرد عرض کرد: «چگونه آن را از بین ببرم و حال آن‌که من از شیعیان خالص شما هستم؟»

حضرت فرمود: «احسانی که در حق برادران مؤمنت روا داشتی باطل ساختی».

عرض کرد: «چگونه باطل شد؟»

فرمود: «آیه قرآن را بخوان: ای اهل ایمان صدقات خود را به سبب منّت و آزار تباه نسازید »

عرض کرد: «ای پسر پیامبر من بدان‌ها که خدمت و نیکی کردم نه منت گذاشتم و نه آزار دادم».

حضرت فرمود: «خداوند عزّ و جل می‌فرماید صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید و نفرموده است با منت گزاردن بر آن‌ها که در حق‌شان خوبی کردید یا آزردن همان‌ها بلکه هر گونه آزردنی باعث تباه شدن آن احسان است، تو فکر می‌کنی آن جمعیتی که بدان‌ها خوبی کردی آزارشان مهم‌تر است یا آزردن فرشتگان محافظ تو و فرشتگان مقربی که دور و بر تو هستند یا آزردن ما؟»

آن مرد عرض کرد: «این آزار بزرگ‌تر و مهم‌تر است».

حضرت فرمود: «بنا بر این هم مرا آزردی و هم فرشتگان را و صدقه خود را تباه ساختی».

عرض کرد: »چرا؟»

فرمود: «به همین گفته‌ات، چون گفتی من از شیعیان خالص شمایم».

سپس فرمود: «وای بر تو میدانی شیعه خالص ما کیست؟»

عرض کرد: «نه»

فرمود: «شیعه خالص ما حزبیل مؤمن، همان مؤمن آل فرعون و صاحب یس است که خداوند متعال می‌فرماید: مردی شتابان از دورترین نقاط شهر (انطاکیه) فرا رسید و همچنین سلمان و ابو ذر و مقداد و عمّار از شیعیان ما هستند، و تو خود را با این افراد برابر دانستی در این صورت آیا ما و فرشتگان را آزار ندادی؟»

آن مرد عرض کرد: «طلب آمرزش می‌کنم از خدا و توبه می‌کنم حالا چه بگویم؟»

فرمود: «بگو من از وابستگان و دوستان شما دشمن دشمنان‌تان و دوست دوستان‌تان هستم».

آن مرد عرض کرد: «پس چنین می‌گویم و چنین نیز هستم و از سخنی که شما و فرشتگان نپذیرفتند توبه کردم چون می‌دانم نپذیرفتن شما بدان جهت است که خداوند عزّ و جل نپذیرفته است».

حضرت جواد علیه‌السّلام فرمود: «(چون توبه کردی) ثواب صدقات و احسانی که به برادرانت نمودی بازگشت و نابودی آن‌ها رفت».[1]

---

۱. التفسیر المنسوب إلی الإمام الحسن العسکری علیه السلام ص۳۱۴

حجت الاسلام والمسلمین استاد محسن قرائتی ۳

امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌فرمود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُحَسِّنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي وَ تُقَبِّحَ فِيمَا أُبْطِنُ لَكَ سَرِيرَتِي مُحَافِظاً عَلَى رِيَاءِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي فَأُبْدِيَ لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي وَ أُفْضِيَ إِلَيْكَ بِسُوءِ عَمَلِي تَقَرُّباً إِلَى عِبَادِكَ وَ تَبَاعُداً مِنْ مَرْضَاتِك .

خداوندا، به تو پناه می‌برم از این‌که ظاهرم در دیده مردم نیکو جلوه کند، و درونم در آن‌چه از تو پنهان می‌کنم زشت نماید، خود را از همه آن‌چه بر من آگاهی در برابر دید مردم حفظ کنم، پس ظاهر آراسته‌ام را برای مردم آشکار نموده، و زشتی کردارم را به سوی تو آورم، تا خود را به مردم نزدیک، و از خشنودی تو دور سازم.[۱]

امیرالمؤمنین می‌فرماید: یکی از خطرات این است که آدم ظاهرش را خوب قرار بدهد اما باطنش خوب نباشد. مهر نمازش بزرگه ولی حواسش پرته، مهرش دراز شده اما حضور قلبش زیاد نشده، سجاده‌اش را دیدی به خصوص بعضی از سجاده‌ها مثل سجاده خانم‌ها به اندازه یک بقچه حمام وزنش است دو کیلو سه کیلو چند رقم تسبیح صد دانه سی و چهار دانه، سر منگوله دار، بی منگوله، یک پارچه از مکه یک پارچه از... به اندازه یک بقچه حمام سجاده‌اش وزنشه، اما یک رکعت نماز باحال نخوانده، خدایا پناه می‌بریم به تو، محراب را می‌بینی چه محرابی، چند میلیون خرج محراب کرده، اما پیش نماز مسجد گرسنگی می‌خوره، منار دراز امّا مؤذن توش نیست.

پناه می‌برم از منار بی‌بلال، پناه می‌برم از سجاده بی‌حضور قلب، پناه می‌برم از کتابخانه‌های لوکسی که مطالعه کننده نداره، ظاهر شیک ظاهر شیک ظاهر شیک، حالا پناه می‌برم از این که ظاهرم خوب باشد، امام سجاد می‌فرماید: اگر توی جامعه من را عزیز می‌کنی پهلوی نفسم ذلیلم کن که غرور نگیرم توازن باشد «لَا تُحْدِثْ لِی عِزّاً ظَاهِراً» هر چه توی جامعه عزت ظاهری برای من به وجود می‌آوری، در باطن خودم را بزرگ نبینم. خوب «اللهم انی اعوذ بک من شر ما عملت و من شر ما لم اعملٌ» خیلی قشنگه، می‌گوید خدایا از کارهایی که کردم پناه به تو می‌برم که چه غلط‌هایی کردم و از غلط‌هایی که نکردم باز هم به تو پناه می‌برم.[۲]

حدیث

امام صادق علیه‌السلام از پدرانش از رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم نقل فرمود که:

مَنْ قَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ وَ مَنْ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ وَ مَنْ قَالَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ وَ مَنْ قَالَ اللَّهُ أَكْبَرُ غَرَسَ اللَّهُ لَهُ بِهَا شَجَرَةً فِي الْجَنَّةِ فَقَالَ رَجُلٌ مِنْ قُرَيْشٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ شَجَرَنَا فِي الْجَنَّةِ لَكَثِيرٌ قَالَ نَعَمْ وَ لَكِنْ إِيَّاكُمْ أَنْ تُرْسِلُوا عَلَيْهَا نِيرَاناً فَتُحْرِقُوهَا وَ ذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ لا تُبْطِلُوا أَعْمالَكُم

هر کس بگوید «سبحان اللّه» خدا درختی در بهشت برایش بکارد و هر کس بگوید «الحمد للّه» خدا درختی در بهشت برایش بکارد و هر کس بگوید «لا اله الا اللّه» خدا درختی در بهشت برایش بکارد و هر کس «اللّه اکبر» بگوید خدا درختی در بهشت برایش بکارد.

یکی از قریش گفت: یا رسول اللّه ما در بهشت درخت بسیار داریم.

فرمود: آری مبادا آتشی فرستید تا آن‌ها را بسوزانید که خدای عز و جل می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آوردید خدا و رسول خدا را فرمان برید و کارهای خود را باطل مکنید».[۳] (محمد/۳۳)

---

۱. نهج البلاغة (للصبحی صالح) ص۵۲۴ حکمت ۲۷۶ [۲۸۲]

۲. نرم افزار آثار حجت‌الاسلام قرائتی ـ برنامه درس‌هایی از قرآن سال ۸۴ ؛تفسیرسوره‌فلق۶ ص۴

۳. الأمالی(للصدوق) ص۶۰۷ ـ المجلس الثامن و الثمانون

احادیث ریا

توجه:

مراد از شرک در آن‌ها شرک خفی است که با اصل ایمان منافات ندارد بلکه با کمال آن منافی است هم چنان که خدای تعالی فرموده: «**وَ ما يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ** ـ ایمان به خدا نمی‌آورند مگر آن‌که بیشترشان مشرکند». (یوسف/۱۰۶)

۱ـ واگذاری به شریک

رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «پروردگار شما می‌فرماید: من بهترین شریکم، پس هر کس در عمل خودش احدی از خلق مرا شریک من قرار دهد من همه عمل او را به شریکم واگذار می‌کنم تا همه‌اش مال او باشد و هیچ عملی را از بنده‌ام قبول نمی‌کنم مگر آن‌چه را که خالص برای من بیاورد، آن گاه این آیه آخر سوره کهف را خواندند».[۱]

۲ـ هر ریایی شرک است

رسول اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «هر کس نماز بخواند و ریاء کند شرک کرده و هر که روزه بگیرد و ریاء کند شرک ورزیده و هر که صدقه دهد و ریاء کند شرک ورزیده آن گاه آیه آخر سوره کهف را خواندند».[۲]

۳ـ دخالت رضای مردم شرک است

امام باقر و امام صادق علیهماالسلام فرمودند: «اگر بنده‌ای عملی کند که با آن رحمت خدا و خانه آخرت را طلب کند آن گاه رضای احدی از مردم را هم در آن دخالت دهد مشرک است».[۳]

۴ـ عمل در سجین

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «فرشته عمل بنده‌ای را بالا می‌برد و از آن مسرور است، ولی چون آن عمل را که به‌صورت حسنات است بالا برد، خدای عز و جل فرماید: آن اعمال را در سجین (دیوان اعمال گنهکاران) گذارید، زیرا آن بنده این اعمال را برای من بجا نیاورده».[۴]

۵ـ عدم استجابت دعا

رسول خدا صلی‌الله‌وعلیه‌وآله‌وسلم فرمود: «زمانی برای مردم پیش آید که برای طمع دنیا باطن‌شان پلید و ظاهرشان زیبا باشد، و از ظاهر خویش ثواب خدا را مقصود نداشته باشند، دین‌شان ریا باشد و ترس از خدا به آن‌ها آمیخته نشده باشد: خدا آن‌ها را مجازاتی همگانی کند، سپس مانند کسی که غرق می‌شود، دعا کنند و خدا مستجاب نکند».[۵]

۶ـ سه نشانه ریا کار

امیرالمؤمنین علیه‌السلام فرمود: «ریا کار سه نشانه دارد چون مردم را بیند (در عبادت) به نشاط آید، و هر گاه تنها باشد کسل شود، و دوست دارد که در هر کاری او را بستایند».[۶]

۷ـ نگهداری عمل سخت است

امام باقر علیه‌السلام فرمود: «برای مردی نگهداری عمل از خود عمل سخت‌تر است، راوی عرض کرد: نگهداری عمل چیست؟ فرمود: مردی برای خدای یگانه بی‌شریک بخششی می‌کند و خرجی می‌نماید، برایش عمل نهانی نوشته می‌شود (که پذیرفته

۱ـ الدر المنثور، ج ٤، ص ٢٥٥

۲ـ الدر المنثور، ج ٤، ص ٢٥٦

۳ـ تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۳۵۳

۴ـ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص ۲۹۵

۵ـ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص ۲۹۶

۶ـ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص ۲۹۵

خداست و ثواب دارد) سپس کارش را به زبان می‌آورد و برایش عمل آشکار می‌نویسند (که ثوابش کمتر است) باز هم به زبان می‌آورد، تا آن را محو کرده، برایش ریا می‌نویسند (که علاوه بر آن‌که ثواب ندارد مستحق عقاب است)».[1]

۸ـ آن‌چه ریا نیست

زراره گوید: از امام باقر علیه‌السّلام پرسیدم راجع به مردی که کار خیری می‌کند و شخصی او را می‌بیند و او خوشش می‌آید، فرمود: «عیب ندارد، هر کس دوست دارد خوبیش میان مردم نمایان شود به شرط آن‌که عمل را به آن قصد انجام ندهد».[2]

تنبه علمی برای رفع ریا (فرمایشی از امام خمینی رحمت‌الله‌علیه)

اگر فطرت توحید از دست رفت، که فطرةاللّه است، و به جای آن شرک و کفر جایگزین شد، دیگر شفاعت شافعین نصیب انسان نشود، و انسان مخلد در عذاب است- آن هم چه عذابی؟ عذابی که از قهر الهی و غیرت ربوبی بروز کند.

پس ای عزیز، برای یک خیال باطل، یک محبوبیت جزیی بندگان ضعیف، یک توجه قلبی مردم بیچاره، خود را مورد سخط و غضب الهی قرار مده، و مفروش آن محبتهای الهی، آن کرامتهای غیر متناهی، آن الطاف و مراحم ربوبیت را به یک محبوبیت پیش خلق که مورد هیچ اثری نیست و از او هیچ ثمری نبری جز ندامت و حسرت.

تمام قلوب بندگان در تحت تصرف خدا است و کس دیگری را در قلوب بندگان بدون اذن او تصرفی نیست و نخواهد بود پس ریا اگر برای جلب قلب‌های بندگان و منزلت و قدر در قلوب پیدا کردن و شهرت یافتن به خوبی یافتن است، این از تصرف ما به کلی خارج و در تحت تصرف خداوند است. بلکه ممکن است بر عکس نتیجه دهد. دیدیم و شنیدیم که اشخاص ریا کار آخر کار رسوا شدند و آن‌چه می‌خواستند نتیجه بگیرند به عکس اتفاق افتاد. چنانچه امام صادق علیه‌السلام فرموده‌اند:

«هرگز نباشد بنده‌ای که در نهان کار خیری کند و روزگار بگذرد، جز آن‌که خدا برایش خیری ظاهر سازد، و هرگز بنده‌ای نباشد که در نهان شری کند و روزگار بگذرد، جز آن‌که خدا برایش شری آشکار کند».[3]

پس ای عزیز، تو کار را برای خدا بکن، خداوند علاوه بر کرامت‌های اخروی تو را محبوب دل‌ها می‌نماید، ولی اگر بتوانی با مجاهده قلب خود را از این حبّ هم به کلی پاک کن نما تا عمل از این جهت هم خالص شده و روح بی‌آلایش و کدورت نفس برطرف گردد.

پس ای عزیز، بیدار شو و بدان که تو را خدای تعالی برای خود آفریده، چنانچه در حدیث قدسی می‌فرماید: یعنی «ای پسر آدم، همه چیز را برای تو آفریدم و تو را برای خود آفریدم».[4] و قلب تو را منزلگاه خود قرار داده. تو و قلب تو یکی از نوامیس الهیه هستید، حق تعالی غیور است نسبت به ناموس خود، این قدر پرده دری مکن به ناموس حقّ تعالی، دست درازی را روا مدار. بترس از غیرت حق تعالی که تو را در این عالم همچنان رسوا کند که هر چه خواهی اصلاح کنی نتوانی. تو در ملکوت خود در حضور حضرات ملائکه و انبیاء عظام پرده ناموس الهی را پاره می‌کنی، و اخلاق فاضله را، که به واسطه آن‌ها اولیا تشبه به حق پیدا می‌کنند، تسلیم غیر حق می‌کنی و قلب خود را به دشمن حق می‌دهی و شرک می‌ورزی در باطن ملکوت خود، بترس از آن‌که حق تعالی علاوه بر آنکه ناموس ملکوت تو را پاره کند و تو را پیش انبیاء عظام و ملائکه مقربین مفتضح و رسوا کند، در همین عالم تو را مفتضح کند و مبتلا کند به فضیحتی که جبران پذیر نباشد و پاره شدن عصمتی که وصله بردار نباشد. حق تعالی «ستّار» است، ولی «غیور» هم هست، «ارحم الراحمین» است، ولی «اشدّ المعاقبین» هم هست.[5]

۱ـ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص ۲۹۶

۲ـ الکافی (ط - الإسلامیة) ج۲ ص۲۹۷

۳ـ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج۲، ص ۲۹۴

۴ـ علم الیقین، ج ۱، ص ۳۸۱

۵ اربعین حدیث ـ حدیث ریا

امام خامنه‌ای مدظله‌لعالی

یک دسته آیات در این باب است که انفاق در راه خدا مثل نماز یک عبادت است و ریا آن را باطل می‌کند؛ اگر انفاق را برای این بکنیم که دیگران بگویند به به، فلانی انفاق در راه خدا کرد، تحسین کنند ما را، این عمل را خراب می‌کند و باطل می‌کند که: **«لا تُبْطِلُوا صَدَقاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَ الْأَذى كَالَّذِي يُنْفِقُ مالَهُ رِئاءَ النَّاسِ»**،[1] که معلوم می‌شود که آن کسی که رئاءالنّاسْ مالش را می‌دهد، برای ریا، او هم کار خودش را باطل می‌کند. اما در عین حال اگر چنانچه بدون ریا باشد، هم در راه خدا آشکارا انفاق کردن خوب است و هم پنهان انفاق کردن؛ این موجب نشود که کسانی انفاق آشکار نکنند! بکنند، بدون ریا باشد، اما آشکار بودن، در معرض دیدها بودن، هیچ اشکالی ندارد که می‌فرماید: **«إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقاتِ فَنِعِمَّا هِيَ»**؛[2] چه بهتر که آن‌چه را که در راه خدا می‌دهید، آن را آشکار کنید، دیگران ببینند، تشویق بشوند و کار خیر فضای جامعه را پر کند.

چند آیه در قرآن هست که می‌فهماند به ما که انفاق نکردن در راه خدا و خشک‌دستی در راه‌های خیر علامت نفاق است؛ نفاق که شاخ و دم ندارد؛ آن کسانی که ادعای ایمان می‌کنند و اگر به آن‌ها بگوئید بی‌ایمان، بدشان می‌آید، اما حاضر نیستند یک ریال از مال خودشان را در راه خدا خرج بکنند و حاضر نیستند بخش متناسبی از مال را در راه خدا بدهند، این‌ها یا الان منافقند یا خوف نفاق درباره‌شان هست که یک جا در علائم منافقین می‌فرماید: **«الْمُنافِقُونَ وَ الْمُنافِقاتُ بَعْضُهُمْ مِنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَ يَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ»**؛[3] دست‌هاشان را می‌بندند؛ یعنی انفاق نمی‌کنند و در یک جای دیگر هم آن کسانی هستند که با خدا عهد می‌کنند که اگر خدا به آن‌ها چیزی بدهد، در راه خدا انفاق کنند: **«فَلَمَّا آتاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَ تَوَلَّوْا»**؛[4] اینها هم که بعد از آنی که چیزدار شدند، بخل می‌کنند، این‌ها را خدا می‌فرماید: **«فَأَعْقَبَهُمْ نِفاقاً فِي قُلُوبِهِمْ إِلى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِما أَخْلَفُوا اللَّهَ ما وَعَدُوهُ»**؛[5] چون وعده‌ی خدا را تخلف کردند، بنابراین خدای متعال در دل این‌ها نفاق می‌اندازد. پس حاصل مطلب این‌که یکی از نشانه‌های منافق این است که او قبض ید می‌کند، یعنی انفاق نمی‌کند؛ نه، نمی‌توانیم حالا بگوئیم که هر کسی که قبض ید می‌کند، این مطلقاً منافق است، اما مطمئناً یکی از علائم منافق این است.[6]

دعا

امام سجاد علیه‌السلام در دعای مکارم الاخلاق می‌فرماید: **وَ أَجْرِ لِلنَّاسِ عَلَى يَدِيَ الْخَيْرَ وَ لَا تَمْحَقْهُ بِالْمَن**

و بر دست من، در حق مردم کارهای خیر جاری کن و کارهای خیر من را به شائبه منت نهادن بر خلق خدای میامیز.[7]

دعایی از امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ أَنْ تُحَسِّنَ فِي لَامِعَةِ الْعُيُونِ عَلَانِيَتِي وَ تُقَبِّحَ فِيمَا أُبْطِنُ لَكَ سَرِيرَتِي مُحَافِظاً عَلَى رِيَاءِ النَّاسِ مِنْ نَفْسِي بِجَمِيعِ مَا أَنْتَ مُطَّلِعٌ عَلَيْهِ مِنِّي فَأُبْدِيَ لِلنَّاسِ حُسْنَ ظَاهِرِي وَ أُفْضِيَ إِلَيْكَ بِسُوءِ عَمَلِي تَقَرُّباً إِلَى عِبَادِكَ وَ تَبَاعُداً مِنْ مَرْضَاتِك .

خداوندا، به تو پناه می‌برم از این‌که ظاهرم در دیده مردم نیکو جلوه کند، و درونم در آن‌چه از تو پنهان می‌کنم زشت نماید، خود را از همه آن‌چه بر من آگاهی در برابر دید مردم حفظ کنم، پس ظاهر آراسته‌ام را برای مردم آشکار نموده، و زشتی کردارم را به سوی تو آورم، تا خود را به مردم نزدیک، و از خشنودی تو دور سازم.[8]

---

۱ بقره: ۲۶۴

۲ بقره: ۲۷۱

۳ توبه: ۶۷

۴ توبه: ۷۶

۵ توبه: ۷۷

۶ (۲۹/ ۰۸/ ۱۳۶۶) خطبه‌های نماز جمعه تهران

۷ صحیفه سجادیه

۸. نهج البلاغة (للصبحی صالح) ص۵۲۴ حکمت ۲۷۶ [۲۸۲]

ریا در قرآن

واژه «ریا» در قرآن پنج مرتبه تکرار شده است که سه مرتبه به صورت مصدر و دو بار به صورت فعلی و معنای آن به همان معنای اصطلاحی می‌باشد.

۱ـ در آیه۲۶۴ سوره بقره، منّت گذاردن و آزار دادن و ریاکردن در یک ردیف شمرده شده و همه‌ی آن‌ها را موجب بطلان و نابودی صدقات (و اعمال نیک) معرفی می‌کند.

۲ـ همچنین در آیه۱۴۲ سوره نساء، ریا را یکی از اعمال منافقان شمرده می‌فرماید: (منافقین می‌خواهند خدا را فریب دهند در حالی که او آن‌ها را فریب می‌دهد و هنگامی که به نماز می‌ایستند از روی کسالت است و در برابر مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند!)؛ «**اِنَّ الْمُنافِقینَ یُخادِعُونَ اللّهَ وَ هُوَ خَادِعُهُمْ وَ اِذَا قامُوا اِلَی الصَّلوهِ قَامُوا کُسَالی یُرآؤُنَ النَّاسَ وَ لاَ یَذْکُرُونَ اللّهَ اِلاّ قَلِیلاً**».

این نکته قابل توجّه است که نفاق نوعی دوگانگی ظاهر و باطن است و ریاکاری نیز شکل دیگری از دوگانگی ظاهر و باطن می‌باشد چرا که ظاهر عمل الهی و باطن آن شیطانی و ریائی است و به خاطر جلب توجّه مردم! بنابراین، طبیعی است که ریا جزء برنامه منافقان باشد.

۳ـ در آیه ۳۸ سوره نساء، اعمال ریائی را همردیف عدم ایمان به خدا و روز قیامت و همنشینی با شیطان شمرده می‌فرماید: (آن‌ها کسانی هستند که اموال خود را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و ایمان به خداوند و روز باز پسین ندارند [چرا که شیطان رفیق و همنشین آن‌ها است] و کسی که شیطان قرین اوست بد قرینی انتخاب کرده است)؛ «**وَ الَّذینَ یُنفِقُونَ اَمْوالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَ لاَ یُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَ لا بِالْیَوْمِ الاْخِرِ وَ مَنْ یَکُنِ الشَّیْطَانُ لَهُ قَرِیْناً فَسَآءَ قَرِیناً**».

به این ترتیب، ریاکاران دوست شیطان و فاقد ایمانقاطع به مبدا و معادهستند.

۴ـ در آیه۴۷ سوره انفال، خداوند مسلمانان را از همسویی با کفّار که اعمال‌شان ریاکارانه و از روی هوا پرستی و خود نمائی بوده است نهی می‌کند، می‌فرماید: (مانند کسانی نباشید که از سرزمین خود به خاطر هواپرستی و غرور و خودنمائی در برابر مردم بیرون آمدند! و مردم را از راه خدا باز می‌داشتند و خداوند به آن‌چه عمل می‌کنند احاطه [کامل] دارد)؛ «**وَ لاتَکُونُوا کالَّذینَ خَرَجُوا مِنْ دِیارِهِمْ بَطَراً وَ رِئاءَ النَّاسِ وَ یَصُدّونَ عَنْ سَبیلِ اللّهِ وَ اللّهُ بِما یَعْمَلُونَ مُحِیْطٌ**».

طبق قرائنی که در آیه موجود است به تصدیق مفسّران، آیه اشاره به حرکت سپاهیان قریش به سوی میدان بدر است که به هنگام خارج شدن از مکّه آلات لهو و لعب و بعضی از خوانندگان و شراب همراه خود آوردند حتّی اگر دم از بت‌پرستی می‌زدند آن هم ریاکارانه و عملاً برای جلب نظر بت‌پرستان بود.

بعضی ازمفسّران نیزگفته اند از آنجا که بدر یکی از مراکز تجمّع و از بازارهای عرب بود و درعرض سال گاهی در آن‌جا اجتماع می‌کردند، ابوجهل مخصوصاً وسائل عیش و نوش را با خود برد و هدفش این بود که از همه کسانی که با آن‌جا آشنا بودند زهر چشم بگیرد.

۵ـ در آیات۴ تا ۷ سوره ماعون، باز هم از ریاکاری به بیان دیگری نکوهش می‌کند و می‌فرماید: (وای بر نمازگزارانی که نماز را به دست فراموشی می‌سپارند و از آن غفلت می‌کنند، آن‌ها که ریامی کنند و مردم را از ضروریّات زندگی باز می‌دارند)؛ «**فَوَیْلٌ لِلْمُصَلِّینَ، اَلَّذِینَ هُمْ عَنْ صَلاتِهِمْ ساهُونَ ، اَلَّذینَ هُمْ یُرآؤُنَ وَ یَمْنَعُونَ الْماعُونَ**».

تعبیر به «ویل» در قرآن مجید در ۲۷ مورد آمده است و غالباً در مورد گناهان بسیار سنگین و خطرناک است. به کار بردن، این تعبیر در مورد ریاکاران نیز حکایت از شدّت زشتی عمل آن‌ها می‌کند.[۱]

---

۱. گرد آوری از کتاب اخلاق در قرآن، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، مدرسه الامام علی بن ابی طالب(ع)، قم، چاپ اول، ۱۳۷۷ ه. ش، ج ۱، ص ۲۸۴.